

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با شهرام زرگر به مناسبت روز ملی سینما

آگاهانه دور بازیگری



احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

در سالهای ابتدایی دهه هفتاد که به شدت نیاز به حضور و معرفی بازیگران جوان و مستعد و ستاره در سینمای ایران احساس می‌شد. جوانی قد بلند، خوش چهره و مسلط به بازیگری در فیلم دل و دشنه حضورش را به رخ کشاند. بازیگری که دل به بازیگری نبسته بود و بعد از مدتی کوتاه راهش را از بازیگری جدا و به دنیای ترجمه و نوشتن روی آورد. شهرام زرگر بازیگر گریزان از بازیگری بود که در دوران کوتاهی بازیگری‌اش با کارگردان‌های مهمی مثل مهدی فخیم‌زاده، بهروز افخمی و مسعود جعفری‌جووانی همکاری کرد. مترجمی که در سالهای بعد تبدیل شد به دغدغه نمایشنامه‌دوستان با ترجمه روان و درخشان آثار نیل سایمون، آیرا لوین و چخوف و دیگران. به مناسبت روز ملی سینما با شهرام زرگر مروری داریم به چهار دهه دوران فعالیتش.

لیسانس بازیگری و فوق‌لیسانس ادبیات نمایشی دارید و این رویه در بازیگری و در ادامه با حضور در ترجمه و نشر نشان داد که دقیق به سراغ دغدغه‌ها بتان رفته‌اید؟

هدف و علاقه‌ام در شروع هم نمایشنامه‌نویسی بود. اما دلائلی باعث شد که وارد بازیگری بشوم و کلاً آدم کم‌رویی هستم و دو سالی در شغل ویزیتوری مسکن کار کردم تا کم‌رویی را از بین ببرم. در سال اول ورود به دانشگاه در خیابان رو به روی دانشگاه تهران راه می‌رفتم و عبدی‌پور دستیار مسعود جعفری‌جووانی من را دید و به من گفت آیا به بازیگری علاقه دارم؟ و کارت دفتر جووانی فیلم را داد و یک ماه بعدش تصادفی طرف‌های جووانی فیلم بودم و ناگهان به یاد کارت افتادم و رفتم و متوجه شدم به دنبال بازیگر نخست فیلم «دل و دشنه» هستم و همان روز با من قرار داد بستند.

در ادامه هم در چند فیلم دیگر بازی کردید؟

هنوز دل و دشنه اکران نشده بود. فریدون شهبازیان که آهنگساز دل و دشنه بود بازی من را دیده بود و به وحید موسائیان که مسئول انتخاب بازیگران دشت ارغوانی بود من را معرفی کرد و همینطوری در سال ۱۳۷۳ دو فیلم پشت سر هم بازی کردم.

شما در فیلم کارگردانی چون جعفری‌جووانی بازی کردید که در آن سالها جزو کارگردان‌های درجه یک و مهم سینما بود؟

بله، «شیر سنگی» و «جاده سرد» آثار متفاوت و خوبی بودند.

«دل و دشنه» یک وسترن حادثه‌ای با رویکرد بومی و ایرانی طبق گزارشات جووانی به سینمای کلاسیک آمریکادر دهه‌های پنجاه و شصت میلادی بود؟

دل و دشنه یک وسترن ایرانی بود و دغدغه‌های جووانی به عشایر و فرهنگ بومی را هم در این فیلم و هم در «مسیر تند باد» نشان داده شد.

دل و دشنه به لحاظ تولید، فیلم دشواری بود و باید سوار کاری و صحنه‌های مهیج و پر تحرک را انجام می‌دادید؟

در بیشتر زمان فیلم سوار اسب، ماشین و موتور بودم و در آن زمان سوار کاری و رانندگی و موتور سواری بلد نبودم و همان موقع آموختم. با کسی اولین تجربه‌ام را انجام دادم که باعث شد خاطره خوبی از بازیگری داشته باشم.

این مسئله برای کسی که دغدغه و عشق بازیگری ندارد مسئله مهمی است؟

در اتاقم در دوران نوجوانی نه عکس بازیگری و نه سینماگری نصب نبود و دغدغه‌اش را نداشتم و در سال ۱۳۸۰ آگاهانه دور بازیگری را خط کشیدم.

ارتباطتان در حال حاضر با دوستان بازیگر چگونه است؟

فقط با رامین ناصر نصیر ارتباط دارم. در سینما بحث اقتصادی‌اش خیلی بر سایر وجوه‌اش غلبه دارد و مناسبات بر همین اساس تبیین می‌شود درست بر خلاف تئاتر و حوزه نشر.

آیا از بازیگری لذت نمی‌برید؟

هر شبی که بعد از فیلمبرداری به هتل می‌رفتم سکانس فیلمنامه همان روز را پاره پاره می‌کردم. این رویه بر خلاف منش سایر بازیگران است و آقای انتظامی می‌گفتند تمام فیلمنامه‌هایی که بازی کرده بودند را نگه می‌داشتند.

با این نگاهی که نسبت به بازیگری داشتید چرا بازیگری خواندید؟

مدیر گروهی به نام ابوالحسن کاخی داشتیم که استاد نمایشنامه‌نویسی هم بود. در ترم ۳ و ۴ که گرایش‌ها تعیین می‌شد نمایشنامه‌های نوشتیم که دو شخصیت در جزیره‌ای فراموش شده حضور و مناسبات خاصی داشتند. موقعی که این متن را خواندم، این استاد برآشفت و گفت هنوز غوره نشدی ادعای مویز شدن را داری و برای من نمایش ایزورد می‌نویسی. من آن موقع نمی‌دانستم ایزورد چی هست. به همین علت در

هر کاری که در گریم چهره‌ات انجام می‌شود باز هم مهربانی‌اش حفظ می‌شود و نقش یکی از سرداران سپاه امام حسن را بازی می‌کردم که شخصیتی خشن و جسور داشت و این آدم با صلح امام حسن مخالفت و بر علیه امام قیام می‌کند.

در ادامه در دو فیلم اکشن و حادثه‌ای «عقرب» و «ارابه مرگ» بازی کردید. این تغییر رویه در ژانر برایتان چگونه شکل گرفت؟

«ارابه مرگ» تولید دفتر جووانی فیلم بود و آقای جووانی من را دعوت کرد و به هر حال نمی‌دانم چطوری شد قبول کردم بازی کنم. روزهای آخر کار بالباس ارتشی نشسته بودم که کسی آمد و گفت از طرف فرحبخش آمده تا به دفترشان برویم. چون فردا روز انتخاب لوکیشن فیلم «عقرب» است و فرحبخش با افخمی برای انتخاب لوکیشن می‌روند. با همین تیپ خسته و لباس نظامی رفتیم دفتر و به محض ورود افخمی گفت خودش است و نقش مورد نظر با این ویژگی من همخوانی داشت. همان شب با من قرادی به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان برای بازی بسته شد که در آن زمان رقم قابل توجهی بود.

فرحبخش جزو تهیه‌کنندگان منصف و حرفه‌ای سینما است؟

بسیار آدم خوش حساب و حرفه‌ای است و جزو معدود تهیه‌کنندگانی است که مدیوم سینمای بدنه‌رامی‌شناسد. کار فرحبخش در فیلم‌هایش نود دقیقه سرگرم کردن مخاطب است.

بهروز افخمی بر اساس چه شعرا یطی از ادامه کارگردانی «عقرب» انصراف داد؟

همه چیز فیلمبرداری «عقرب» خوب پیش می‌رفت. مشکل از آنجایی شروع شد که فرحبخش بیش از مسئولیت‌هایش عمل می‌کند. یک عکاس با دقت است که به عکاس فیلمش می‌گوید چطور عکاسی کن و

زمان تعیین گرایش تحصیلی این استاد با من لچ کرد و نگذاشت گرایش ادبیات نمایشی را انتخاب کنم. آن موقع که برای بازی در دل و دشنه انتخاب شدم ترم دو بودم و در دانشگاه این خبر مثل توپ ترکید و در جشنواره همان سال دو فیلم داشتم.

بازیگری به لحاظ مالی به طور حتم آورده‌های بیشتری نسبت به نوشتن و ترجمه دارد؟

در سینمای ایران تعداد آدم‌های درآمد بالا محدود و کم هستند. دستمزد دو فیلم اولم روی هم صد و پنجاه هزار تومان بود.

محمد متوسلانی نقش مقابل شما در «دل و دشنه» را در قالب یک شخصیت منفی و خون‌سرد به شایستگی بازی کرد. حضور متوسلانی برایتان چه آورده‌هایی داشت؟

شانس من در این فیلم آشنایی با جووانی و همبازی شدن با محمد متوسلانی بود. او بازیگر خاص و ویژه‌ای است و در طول مدت فیلمبرداری در هتل با ایشان هم اتاق بودم و همیشه در حال مطالعه بودند و بعد از مدت‌ها دوباره ایشان را دیدم و خوشحال شدم. در «دل و دشنه» یکی از نقاط قوت فیلم پردازش شخصیت منفی با بازی ایشان بود.

در سریال «تنها ترین سردار» از جمله اولین کارهای دینی درباره امامان بازی داشتید. چگونه در این سریال با مهدی فخیم‌زاده همکاری کردید؟

کاملاً تصادفی، در منزل علی دهکردی بودم و نیما بانکی هم حضور داشت و گفت برای این سریال پدرش در انتخاب بازیگر همکاری می‌کند و از من دعوت کرد و از من خواست به شهرک سینمایی برویم و روز بعدش رفتم و مهدی فخیم‌زاده از معیریان خواست من را بگیرد و بعد از اتمام کار از چهره‌اش مشخص بود از آن رضایت ندارد و می‌گفت